آوای ماندگار

| بولتن اختصاصی صندوق پژوهش و فنّاوری ماندگار |

۰۲

شماره



پیش از ساختن باید باور کرد

چارچوب مسئولیت مدیران در نظام حقوقی شرکت‌ها

در این شماره به بررسی الزامات و مسئولیت‌های مالیاتی، مدنی و کیفری مدیران و اعضای هیئت‌مدیره بر اساس قوانین تجارت و مالیاتی می پردازیم

ماندگار
صندوق پژوهش و فناوری

آوای ماندگار

| بولتن اختصاصی صندوق پژوهش و فنّاوری ماندگار |



۰۲
شماره

هفته وقف، فرصتی برای پاسداشت سنتی ماندگار است؛ سنتی که نیک‌اندیشی امروز را به خیر و برکت برای نسل‌های آینده پیوند می‌زند.

هفته وقف گرامی باد.

صاحب‌امتیاز:
صندوق پژوهش و فنّاوری غیردولتی ماندگار

عنوان:
سند راهنمای هیئت مدیره پورتفولیوی صندوق پژوهش و فنّاوری ماندگار

شناسه گزارش: ۰۲ / پ / ۰۵

نگارندگان:
سینا ملکیان، نگار رستمی، اژین جواهری، محمدامین دوستدار، زهرا تاجدینی

تعداد صفحه: ۸ صفحه

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

با تشکر و همراهی:
معاونت بهره‌وری اقتصادی سازمان اوقاف و امور خیریّه
روابط عمومی سازمان اوقاف و امور خیریّه

آدرس:
تهران، خیابان حافظ
خیابان نوفل‌لوشاتو
جنب سفارت ایتالیا
تقاطع خیابان هانری کربن، پلاک ۷۲
ساختمان مطهری، طبقه سوم

۰۲۱-۶۴۸۷۳۰۳۰
۰۲۱-۶۴۸۷۳۰۳۱

www.**mandegarfund**.com

هوالحلیم

پیش از ساختن، باید باور کرد



دپارتمان پورتفولیو و توسعه کسب و کار

هیچ کشوری با مصرف فنّاوری به یک کشور فنّاور تبدیل نمی‌شود؛ همان‌طور که هیچ سازمانی با خرید تجهیزات و نرم‌افزار، الزاماً نوآور نمی‌شود. توسعه، از جایی آغاز می‌شود که باور کنیم می‌توانیم چیزی را بهتر از گذشته بسازیم. سرمایه، فنّاوری، زیرساخت و نیروی انسانی همه برای رشد ضروری‌اند؛ اما آنچه این منابع را به نتیجه تبدیل می‌کند، قابلیت سازمان برای یادگیری، نوآوری و ساختن است. یک شرکت ممکن است بهترین فنّاوری دنیا را خریداری کند، اما اگر نتواند آن را با نیازهای خود تطبیق دهد، از آن یاد بگیرد و به مرور توسعه دهد، همچنان مصرف‌کننده فنّاوری باقی می‌ماند. تفاوت شرکت‌های پیشرو با دیگران دقیقاً همین‌جاست. آن‌ها فقط فنّاوری نمی‌خرند؛ قابلیت ایجاد می‌کنند. قابلیت یعنی سازمان بتواند مسأله‌ای را شناسایی کند، راه‌حل‌های جدید را امتحان کند، از تجربه‌ها یاد بگیرد و منابع خود را برای فرصت‌های جدید دوباره سازمان‌دهی کند. به همین دلیل، سؤال مهم یک مدیر نباید فقط این باشد: «چه فنّاوری‌ای بخریم؟ » بلکه باید پرسید:

«چه توانمندی‌ای باید در سازمان ایجاد کنیم تا در آینده بتوانیم فنّاوری‌های جدید را نیز به‌کار بگیریم و حتی توسعه دهیم؟»

این نگاه، فنّاوری را از یک ابزار به یک مزیت رقابتی تبدیل می‌کند. در عصر هوش مصنوعی، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. تقریباً همه می‌توانند به ابزارهای هوش مصنوعی دسترسی پیدا کنند؛ اما همه نمی‌توانند از داده، دانش تخصصی و تجربه سازمانی خود برای ایجاد یک محصول، خدمت یا مدل کسب‌وکار جدید استفاده کنند.

بنابراین، مزیت اصلی در خود فنّاوری نیست؛ در توانایی سازمان برای ترکیب فنّاوری با دانش و تجربه خود است. از سوی دیگر، نوآوری زمانی ارزشمند است که به نتیجه اقتصادی برسد. ایده باید آزمایش شود، فنّاوری باید به محصول یا خدمت تبدیل شود، محصول باید وارد بازار شود و در نهایت برای مشتری و سازمان ارزش اقتصادی ایجاد کند.

مسیر ساده است:

دانش ← توانمندی ← فنّاوری ← محصول ← بازار ← ارزش

اگر یکی از این حلقه‌ها ضعیف باشد، نتیجه نهایی نیز ضعیف خواهد بود. اینجاست که نقش مدیر تغییر می‌کند. مدیر امروز فقط مسئول اداره عملیات نیست؛ باید ظرفیت آینده سازمان را بسازد. باید تیمی ایجاد کند که یاد بگیرد، سؤال بپرسد، تجربه کند و از شکست‌های کوچک برای جلوگیری از شکست‌های بزرگ استفاده کند. زیرا در اقتصاد امروز، شاید مهم‌ترین مزیت یک سازمان این نباشد که امروز چه چیزی در اختیار دارد؛ بلکه این باشد که با چه سرعتی می‌تواند قابلیت‌های جدید ایجاد کند. کشوری که فنّاوری وارد می‌کند، می‌تواند امروز کارآمدتر شود؛ اما کشوری که دانش و توان ساخت فنّاوری ایجاد می‌کند، می‌تواند فردای خود را تعیین کند. همین منطق درباره شرکت‌ها نیز صادق است. آینده متعلق به سازمان‌هایی نیست که امروز بیشترین فنّاوری را دارند؛ متعلق به سازمان‌هایی است که سریع‌تر از دیگران توانمندی‌های فردا را می‌سازند.

مسیر را می‌توان در سه کلمه خلاصه کرد:

- BELIEVE باور کن؛ امکان تغییر را ببین.
- BUILD بساز؛ توانمندی آن را ایجاد کن.
- BECOME BETTER بهتر شو؛ از هر تجربه، قوی‌تر از قبل بیرون بیا.

زیرا مزیت رقابتی چیزی نیست که یک‌بار به دست‌آوریم و برای همیشه حفظ کنیم؛ مزیت رقابتی، توانایی مداوم سازمان برای یادگیری، نوآوری و ساختن آینده است.



۱) مسئولیت مالیاتی مدیران شرکت



۱- طبق ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم، مدیران شرکت‌های تجاری به صورت جمعی یا فردی نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده شرکت، مسئول هستند. این مسئولیت تضامنی است؛ منظور از مسئولیت تضامنی آن است که همه مدیران نسبت به کل مبلغ مالیات شرکت، ضامن هستند.



۲- اداره مالیات می‌تواند پس از انجام تشریفات اعتراض، صدور برگ قطعی و اجرائیه، مالیات را از اموال شخصی مدیران وصول کرده و آن‌ها را ممنوع‌الخروج کند.



۳- نقش مدیران در تصمیم‌گیری‌های مالی شرکت و اولویت وصول مالیات به عنوان یک حق عمومی، از توجیهات این قانون است.



۴- تمام اعضای هیئت‌مدیره حتی اگر حق امضای اسناد را نداشته باشند، مشمول این مسئولیت هستند.



۵- تنها مالیاتی که در دوره مدیریت هر مدیر قطعی شده باشد، شامل این مسئولیت می‌شود.



۶- مسئولیت مدیران به صورت قانونی وضع شده است و نمی‌توان آن را از طریق توافق‌های خصوصی تغییر داد یا تفویض کرد.

۷- با توجه به موارد فوق، تمام اعضای هیئت‌مدیره باید به پرداخت مالیات شرکت نظارت کنند تا از عواقب مسئولیت‌های شخصی خود جلوگیری کنند.



۲) مسئولیت مدنی مدیران شرکت

۱- مسئولیت مدنی مدیران شرکت، یعنی اگر مدیران در انجام وظایف خود کوتاهی یا اشتباهی کنند که باعث ضرر و زیان به دیگران، مثل سهامداران، مشتریان یا طلبکاران شود، باید آن خسارت را جبران کنند. به بیان ساده‌تر، اگر مدیران به درستی به وظایف قانونی و تعهدات شرکت عمل نکنند و به واسطه آن، خسارتی به شرکت یا افراد مرتبط وارد شود، می‌توانند از نظر قانونی تحت پیگرد قرار گیرند و مجبور به جبران مالی آن خسارت شوند. این مسئولیت برای حفاظت از حقوق دیگران و اطمینان از این است که مدیران با دقت و صداقت عمل کنند، اعمال می‌شود.



۲- مسئولیت مدنی مدیران جزء قواعد آمره است؛ بدین معنا که امکان زائل کردن آن با توافق یا تصویب مجامع عمومی شرکت وجود ندارد. مطابق تبصره در هر صورت، نمی‌تواند باعث قصور یا تقصیر مدیران در انجام وظایف، علیه آن‌ها طرح دعوا کند. به همین دلیل ماده ۲۷۷ لایحه اصلاح قانون تجارت، از قانون تجارت مقرر کرده که «مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوای مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید.»

۳- ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در خصوص این مسأله، چنین مقرر داشته است که «مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشند و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.»

۴- همچنین ماده ۱۴۳ لایحه فوق‌الذکر در خصوص فرض ورشکستگی شرکت چنین مقرر نموده است که «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیتدار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از مدیران و یا مدیرعاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید.»

۵- مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره، به جز اشخاص حقوقی، حق ندارند از شرکت وام یا اعتباراتی بگیرند و شرکت هم نمی‌تواند بدهی‌های آن‌ها را تضمین یا پرداخت کند. چنین اقداماتی به طور خودکار باطل است. همچنین، این ممنوعیت شامل کسانی که به نمایندگی از یک شخص حقوقی در هیئت‌مدیره حضور دارند و نیز شامل همسر، والدین، پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و فرزندان و نوه‌ها و خواهر و برادر این افراد هم می‌شود.

۶- هیئت‌مدیره یک شرکت سهامی، اعم از عام یا خاص، نمی‌تواند به خود پاداش بیش از حد بدهد. پاداش هیئت‌مدیره باید محدود به درصدی مشخص از سود شرکت باشد و همچنین نباید از یک مقدار مشخص برای هر عضو هیئت‌مدیره بیشتر شود. این سقف برای شرکت‌های سهامی عام و خاص متفاوت است. در شرکت‌های سهامی عام، حداکثر پاداش سه درصد سود قابل تقسیم به سهامداران است و در شرکت‌های سهامی خاص، این مقدار شش درصد



است. همچنین برای اعضای موظف، یعنی کسانی که در شرکت کار مشخصی دارند، پاداش دریافتی نباید بیشتر از یک سال حقوق پایه آن‌ها باشد. پاداش اعضای غیرموظف هم نباید بیشتر از حداقل پاداش اعضای موظف باشد.

۷- اگر اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل شرکت و همچنین شرکت‌ها و مؤسساتی که اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعامل شرکت در آن‌ها شریک یا عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعامل هستند با شرکت معامله‌ای انجام دهند و به شرکت خسارت وارد شود، جبران خسارت به عهده هیئت‌مدیره، مدیرعامل، مدیران ذی‌نفع و همچنین مدیرانی است که اجازه انجام آن معامله را داده‌اند. همه این افراد با هم و به‌طور تضامنی، مسئول جبران خسارت وارده به شرکت‌هستند.

۸- مدیران و مدیرعامل، نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد، انجام دهند. هر مدیری که از این حکم تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت شود، مسئول جبران آن می‌شود.

۹- مدیر شرکت می‌تواند از اشخاص حقوقی انتخاب شود. در این صورت، شخص حقوقی همان مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت‌مدیره را دارد. این مدیر باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود برای انجام وظایف مدیریت معرفی کند. چنین نماینده‌ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت‌هایی است که برای عضویت مدیر مقرر است. همچنین این افراد از لحاظ مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین کرده است، مسئولیت‌تضامنی‌دارند.

۱۰- مدیران شرکت باید تعداد مشخصی از سهام شرکت را داشته باشند. این مقدار در اساسنامه شرکت تعیین شده است و نباید کمتر از مقداری باشد که برای حق رأی در جلسات عمومی لازم است. هدف از داشتن این سهام آن است که اگر مدیران به شرکت

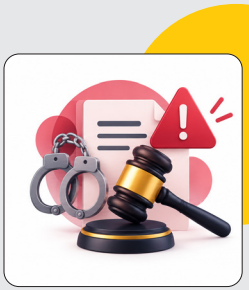


خسارتی وارد کنند، سهام مذکور به عنوان تضمین برای جبران آن خسارت در نظر گرفته شود. این سهام، به نام مدیران است، تا زمانی که آن‌ها مسئولیت‌های خود را در دوره کاری خود تصفیه نکنند، قابل انتقال نیست و به عنوان ضمانت نزد شرکت باقی می‌ماند.

۱۱- مدیران تصفیه شرکت نیز در خصوص عملیاتی که برای تصفیه انجام می‌دهند، مسئولیت دارند و در صورت تخلف از قانون، مسئول خسارات بستانکارانی هستند که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

۱۲- تصویب ترازنامه و گزارش سود و زیان هر دوره مالی شرکت به این معنا است که مدیران آن دوره، از نظر مالی مسئولیتی ندارند. بعد از اینکه ترازنامه و حساب سود و زیان دوره‌ای که مدیران در آن دوره کار می‌کردند تأیید شود، سهام مدیرانی که برای ضمانت نزد شرکت بود، به طور خودکار آزاد می‌شود.





۳) مسئولیت کیفری مدیران

مسئولیت کیفری مدیران در شرکت‌های سهامی خاص، به این معناست که اگر مدیران شرکت برخی وظایف خود را انجام ندهند، احتمالاً طبق قانون با مجازات‌های کیفری از جمله حبس و جزای نقدی مواجه می‌شوند. این موارد به شرح زیر است:

۱- در صورتی که مدیران ظرف مهلت مقرر در قانون، قسمت پرداخت‌نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوق‌العاده را برای تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت‌شده دعوت نکنند.

۲- در مورد بند فوق، در صورتی که هر یک از اعضای هیئت‌مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیئت‌مدیره مزبور صریحاً اعلام کند نباید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزایی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضا اعتنایی نشود و جرم تحقق پیدا کند، عضو هیئت‌مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است، مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزایی از عضو هیئت‌مدیره منوط به این است که عضو هیئت‌مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت‌مدیره مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیئت‌مدیره اعلام کند. در مواردی که جلسات هیئت‌مدیره به هر علت تشکیل نشود، اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی، منجر به سلب مسئولیت جزایی از عضو هیئت‌مدیره می‌شود.

۳- در صورتی که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره شرکت سهامی، حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر سال مالی، مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را به جلسه دعوت نکنند.

۴- در صورتی که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره شرکت سهامی، پس از انقضای سال مالی، صورت دارایی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم و ارائه نکنند.

۵- در صورتی که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره شرکت سهامی، حاضران در مجمع را طبق قانون تنظیم نکنند.

۶- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزبور، منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۷- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت، ترازنامه غیرواقعی به منظور پنهان کردن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۸- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل شرکت، اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع می‌باشند، مورد استفاده قرار دهند.

۹- در صورتی که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره شرکت عمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را زمان انتخاب بازرسان شرکت دعوت نکنند یا بازرسان شرکت را به مجامع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند.

۱۰- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل، به شکل عمدی، مانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت شوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجام وظایف آن‌ها لازم است، در اختیار بازرسان قرار ندهند.

۱۱- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی، قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا با بدون رعایت تشریفات لازم ثبت افزایش سرمایه، سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند یا در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام، مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید کنند.

۱۲- رئیس و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره‌نویسی و خرید سهام جدید سلب کنند و یا مهلتی را که جهت پذیره‌نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود، به صاحبان سهام ندهند.

۱۳- در صورتی که رئیس، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عامداً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره‌نویسی سهام جدید، به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند.

۱۴- در صورتی که رئیس و اعضای هیئت‌مدیره هر شرکت سهامی، هنگام کاهش سرمایه عالماً مقررات زیر را رعایت نکنند: ۱-در صورت رعایت نکردن اصل تساوی حقوق صاحبان سهام. ۲-در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه، حداقل ۴۵ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به بازرس شرکت تسلیم نشده باشد. ۳- در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دایر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود آگهی نشده باشد.

۱۵- در صورتی که بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده از میان رفته باشد، رئیس و اعضای هیئت‌مدیره هر شرکت سهامی باید بعد از حداکثر تا دو ماه، مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت کنند تا موضوع انحلال یا ابقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام کنند.

۱۶- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً ظرف یک ماه پس از انتخاب، تصمیم راجع به انحلال شرکت، نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۱۷- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه، مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده و وضعیت اموال، مطالبات، قروض شرکت، نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که برای پایان دادن به امر تصفیه لازم می‌دانند، به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۱۸- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً قبل از خاتمه امر تصفیه همه‌ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفاتی که در قانون و اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده است دعوت نکرده، صورت دارایی منقول و غیرمنقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند، به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۱۹- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً در خاتمه دوره تصدی خود، بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند، به عملیات خود ادامه دهند.

۲۰- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه، مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام نکنند.

۲۱- در صورتی که مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالماً پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقی مانده است، در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایران تودیع نکنند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفا نکرده‌اند، نیز به بانک تسلیم نکرده، مراتب را طی آگهی ختم تصفیه، به اطلاع اشخاص ذی‌نفع نرسانند.

۲۲- در صورتی که مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی، اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن ذی‌نفع هستند، مورد استفاده قرار دهند.

۲۳- در صورتی که مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی، برخلاف قانون به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و کنار گذاشتن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده، دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم کنند. به شکایت شاکی خصوصی، ناظر و دادستان نیز در صورت اطلاع از وقوع جرم، وفق آیین دادرسی باید مدیران متخلف اعلام جرم کنند. همچنین در فرض شکایت سهامداران حتی با فرض رضایت سهامداران نیز تخفیف کیفری کاهش داده می‌شود. لیکن رضایت سهامداران ممکن است صرفاً از جهات تخفیف در مجازات تلقی شود.

مقررات کیفری در حوزه مدیران با توجه به این که در زمره حقوق عمومی است؛ عموماً نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد و دادستان نیز در صورت اطلاع از وقوع جرایم فوق‌الذکر باید علیه مدیران متخلف اعلام جرم کند. همچنین در فرض شکایت سهامداران حتی با فرض رضایت سهامداران نیز تعقیب کیفری ادامه پیدا می‌کند و رضایت سهامداران ممکن است صرفاً از جهات تخفیف در مجازات تلقی شود.